

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

جایگاه اوقات فراغت، سرگرمی و ورزش در منظومه حقوق اخلاقی انسان

حامد اصلی بیگی* - علی وقاری

کارشناسی ارشد - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قزوین

چکیده

با پیشرفت فناوری و پدید آمدن سرگرمی‌های جدید و اهمیت یافتن سرگرمی در سبک زندگی انسان امروزی، پی بردن به جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان از دیدگاه اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. پژوهش پیشرو با روش توصیفی تحلیلی در پی روشن ساختن این جایگاه است. در این پژوهش به این نتایج رسیدیم که فعالیت بدنی و سرگرمی یکی از حقوق انسان از منظر اخلاق اسلامی است؛ این حق فطری است و برای قضاوت اخلاقی در هنگام تراحم این حق با دیگر حقوق انسان باید شرایط خارجی و عناصر زمینه‌ای را نیز در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: سرگرمی، حق سرگرمی، حق اخلاقی، حقوق اخلاقی انسان

مقدمه

یکی از نیازهای طبیعی بشر، سرگرمی است که همواره در طول تاریخ با انسان همراه بوده است. در عصر حاضر و در جوامع جدید نحوه گذران اوقات فراغت به مقوله‌ای اساسی و شاخصی برای توسعه‌یافتگی تبدیل شده، به گونه‌ای که پر کردن اوقات فراغت از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها است. در همین راستا پی بردن به جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان از دیدگاه اسلامی امری است که اهمیت بسزایی برخوردار است. برای پی بردن به این جایگاه ابتدا باید مشخص شود که سرگرمی به چه معنا است؟ حق چیست و حق اخلاقی به چه معنا است؟ و اینکه آیا اساساً حق سرگرمی برای انسان وجود دارد؟ بر فرض وجود چنین حقی در کجای منظومه حقوق انسان قرار دارد؟ آیا جزء حقوق اساسی و اولی اوست یا اینکه از جمله حقوق ثانوی و غیرضروری محسوب می‌شود؟ در ادامه این مقاله به هر یک از این سؤالات پاسخ داده می‌شود.

مفهوم سرگرمی

مفهوم سرگرمی از مفاهیم عرفی است. مفاهیم عرفی تعریف روشنی ندارند و پیرو استعمالات عرفی هستند؛ به همین جهت نمی‌توان مفهوم سرگرمی را دقیقاً مرزبندی و مشخص کرد. معادل سرگرمی در زبان عربی لهو، هویایه، اَشْغَوْلَه، تَسْلِیَه^۱ گفته شده است. در فرهنگ عمید، سرگرمی به اشتغال، توجه، کاری که شخص را مشغول سازد، آنچه سبب وقت‌گذرانی و تفریح باشد از انواع بازی، ورزش، سینما و تئاتر معنا شده است.

در یک تعریف خلاصه می‌توان گفت:

سرگرمی حالت نفسانی و نوعی گذران اوقات فراغت است که گاه به خودی خود و فارغ از دیگر امور زندگی ارزش دارد و به صورت اختیاری (فعالانه یا منفعلانه) و به قصد اموری چون ایجاد تفریح و شادمانی، تنوع و تفنن، شکوفایی فردی و اجتماعی، استراحت، رفع غم و خستگی، گریز از یکنواختی صورت می‌پذیرد.

در این تعریف به نکات زیر توجه شده است:

- سرگرمی امری است که هم جنبه ذهنی (حالت نفسانی) و هم جنبه خارجی (گذران اوقات فراغت) دارد.

* resist_hsh@yahoo.com نویسنده مسئول: غفرانی و آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

- فعالیت فراغتی اعم از سرگرمی است؛ چراکه سرگرمی تنها یک نوع از شیوه‌های گذران اوقات فراغت است.
- سرگرمی می‌تواند هدف دیگر امور زندگی از جمله کار باشد و گاه ارزش ذاتی دارد.
- مشغول شدن به سرگرمی‌ها با اختیار و اراده فرد، گاه به صورت فعال و گاه به صورت منفعل صورت می‌پذیرد.
- قصد و نیت افراد در ماهیت سرگرمی‌ها تأثیرگذار است. ممکن است یک سرگرمی با قصد خاصی تبدیل به کاری جدی شود و دیگر سرگرمی محسوب نشود.
- پاره‌ای از فواید سرگرمی عبارت‌اند از: ایجاد تفریح و شادمانی، تنوع و تفنن، شکوفایی فردی و اجتماعی، استراحت، رفع غم و خستگی، گریز از یکنواختی.

مفهوم حق

اینکه مفهوم حق چیست، خود موضوعی چالشی در مکاتب اخلاقی محسوب می‌شود. هر مکتبی با توجه به جهان بینی خود تفسیری از حقوق انسان ارائه کرده است. در زمان حاضر استفاده از عنوان حقوق بشر گاه به ابزاری برای منافع سلطه‌جویانه سلطه‌گران تبدیل شده و این موضوع علاوه بر بعد فرهنگی و اجتماعی دارای ابعاد سیاسی و اقتصادی نیز شده است. در مورد معنای لغوی واژه حق در فرهنگ عمید، نه معنا برای حق گفته شده که عبارت‌اند از:

۱. (مقابل باطل) راست؛ درست: حرف حق.
۲. (اسم) اختیاری که طبیعت، قانون، یا عرف به کسی داده است: حق حرف زدن.
۳. (اسم) هزینه یا کارمزدی که در برابر انجام کاری به شخص یا نهادی پرداخت می‌شود: حق بیمه.
۴. (اسم) تسهیلاتی که شخص در برابر برخوردار نبودن از امکاناتی ویژه دریافت می‌کند: حق مسکن، حق خواربار.
۵. (اسم) انصاف؛ عدل: حق را زیر پا نگذار.
۶. (اسم) وظیفه؛ تکلیف: حق فرزندی را به‌جا بیاور.
۷. (اسم، صفت) [مجازاً] از نام‌های خداوند.
۸. (اسم مصدر) [قدیمی] ثابت و واجب کردن امری یا چیزی.
۹. (اسم مصدر) [قدیمی] واقف شدن بر حقیقت امری.*

در اصطلاح نیز در هر علمی تعریف خاص و گاه متعدد از این واژه وجود دارد؛ به عنوان نمونه واژه حق در علم حقوق به معنای گوناگونی تعریف شده است. جعفری لنگرودی^۱ در تعریف حق می‌نویسد: «[حق] در اصطلاح عبارت است از توانایی که شخص بر چیزی یا کسی داشته باشد. اصل این است که حق قابل انتفاع و نیز قابل اسقاط است.» منظور از قابل انتفاع بودن آن است که تصرف و نفع صاحب حق بر آن ممکن و جایز باشد؛ مثلاً خرید و فروش پرندگانی که در آسمان هستند جایز نیست چراکه آن‌ها آزاد هستند و فرد نمی‌تواند در آن‌ها تصرف کند و اصطلاحاً قابل انتفاع برای شخص نیستند؛ همچنین باید قابل اسقاط باشد مانند اینکه مالک می‌تواند ملک خود را بفروشد و در مقابل پول یا نفعی حق تصرف خود را اسقاط کند. ممکن است برخی از حقوق قابل انتفاع یا اسقاط نباشد به خاطر این استثنائات گفته‌اند اصل این است؛ بنابراین گاهی هم این‌گونه نیست.

در تعریف دیگر حق قدرت یا نیروی ارادی دانسته شده است که قانون به شخص در چهارچوب معین می‌دهد. همچنین برخی گفته‌اند حق سود یا منفعتی است که قانون از آن پشتیبانی می‌کند و برخی نیز با ترکیب دو تعریف گذشته گفته‌اند حق هم قدرت و نیروی ارادی است و هم سود و منفعتی که پشتیبانی شده است. گروهی نیز حق را به وابستگی و چیرگی یا تعلق و

* عمید، فرهنگ عمید، ص ۴۶۰.

^۱ لنگرودی، میسوط در ترمینولوژی حقوق، ص ۱۶۶۹.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

تسلط تعریف کرده‌اند؛ در توضیح این تعریف گفته شده که «حق آن رابطه حقوقی است که به سبب آن، قانون به یکی از اشخاص این توانایی را می‌دهد تا به گونه‌ای تک و ویژه بر چیزی تسلط و چیرگی یابد (آن را تصرف کند) و یا از شخصی دیگر انجام یا انجام ندادن چیزی یا کاری معین را بخواهد.»*

در علم فقه نیز واژه حق در معانی مختلفی به کار رفته است؛ گاهی حق به معنای مرتبه‌ای از تسلط شخص است که از این معنا در باب تجارت سخن به میان آمده است. گاهی نیز حق متعلق الزام شارع است و شامل حق الله و حق الناس می‌شود. مواردی چون به جا آوردن نماز و حج از حقوق الهی و مواردی چون حرمت تصرف مال دیگری، وجوب ادای امانت به صاحبش، حق الناس محسوب می‌شوند و گاهی هم حق به آنچه خداوند توسط پیامبران، مردم را بدان فراخوانده است گفته می‌شود و مقابل آن باطل قرار دارد؛ این معنا اعم از اصول و فروع دین است و مواردی همچون توحید، معاد، نبوت، نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود.^۱

همان طور که ملاحظه می‌شود در این تعاریف برخی از قضاوت‌های اخلاقی نیز به چشم می‌خورد مانند اینکه سود و منفعت یا قدرت و اقتدار با شرایطی مانند پشتیبانی قانون، خوب و حق محسوب می‌شود یا اینکه نفس حمایت قانون از تعلق و تسلط، موجب حقانیت و خوب بودن آن می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت در واژه حق نوعی قضاوت اخلاقی نیز نهفته است و حق و حقیقت از اموری هستند که یا خود خوب و پسندیده‌اند و یا مستلزم آن هستند. این معنایی است که با معنای لغوی و عرفی نیز مطابقت دارد.

نکته دیگر اینکه همان طور که قبلاً نیز اشاره شد گزاره‌های اخلاقی هر مکتب اخلاقی از جهان بینی آن سرچشمه می‌گیرند. در دین اسلام نیز با توجه به اینکه جهان بینی اسلامی مبتنی بر اموری چون اعتقاد به خدا، مبدأ و هدف بودن خداوند و وجود سزایی دیگر پس از مرگ است؛ حق امری دانسته شده که یا خداوند به آن امر و نهی کرده باشد یا اینکه انسان فطرتاً و از روی عقل آن را پسندیده بداند. از منظر اخلاق اسلامی عقل، مستقل از دین می‌تواند برخی احکام کلی اخلاقی را درک کند و برخی از اعمال انسان ذاتاً قبیح یا نیک محسوب می‌شوند.

نکته دیگر اینکه به گفته محققین در دیدگاه اسلامی به طور کلی حقیقت را می‌توان به دو مقوله هستی شناختی و ارزش شناختی که تا فعل و رفتار انسان گستره دارد، تقسیم کرد؛^۲ بنابراین علاوه بر معنایی فوق که جنبه ارزش شناختی داشتند، معنای دیگری نیز برای حق گفته شده است. در این معنا که بعد هستی شناختی دارد، حق و حقیقت به آنچه وجود دارد گفته می‌شود؛ مثلاً در آیه ۳۰ سوره اعراف آمده است:

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ [درحالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است زیرا آنان شیاطین را به جای خدا دوستان [خود] گرفته‌اند و می‌پندارند که از راه یافتگان هستند.

در این آیه حق به معنی تحقق یافتن و واقعیت پیدا کردن است و بعد هستی شناختی دارد؛ بنابراین مقصود ما از حق در این نوشته آنچه بعد ارزش شناختی دارد است. این بعد را می‌توان بعد اخلاقی معنای حق دانست؛ چراکه آن علمی که به ارزش گذاری افعال و صفات انسانی می‌پردازد علم اخلاق است.

حق اخلاقی انسان

با توجه به مطالب گذشته، در یک تعریف کلی از حق اخلاقی انسان باید گفت:
آنچه انسان از منظر عقل و شرع، شایسته بهره‌مندی از آن است حق اخلاقی وی محسوب می‌شود.
در توضیح این تعریف چند نکته به نظر می‌رسد که عبارت‌اند از:

شناختی، ص ۴۵-۴۹. ساکت، حقوق*

جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۳۱۷-۳۲۹.

میرخندان، مطالعات دینی فیلم، ص ۷۹.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

- دایره حقوق اخلاقی انسان، محدود به انسان است و شامل حقوق الله و یا حقوق حیوانات و دیگر موجودات نمی‌شود.
- مهم‌ترین منابع اخلاق اسلامی عقل و شرع هستند به همین دلیل، به این دو منبع در تعریف اشاره شده است.
- آنچه انسان شایسته است از آن بهره‌مند شود عام است و شامل لذت، سود، قدرت، احساس خوش، سعادت، حقوق اولیه و ثانویه انسانی و حقوق مدنی، طبیعی و قراردادی و امثال آن می‌شود.
- آنچه انسان شایسته است از آن بهره‌مند شود شامل مواردی است که یا ترجیح دارد و بهتر است و یا اینکه ضرورت دارد و لازم است؛ بنابراین حقوق اخلاقی انسان اختصاص به ضروریات و الزامات اخلاقی انسان ندارد و آنچه برای او بهتر است نیز جزئی از آن محسوب می‌شود.
- آنچه انسان شایسته است از آن بهره‌مند شود، دو بعد سلبی و ایجابی را شامل می‌شود؛ به این معنا که از دید اسلام ترک برخی کارها و سلب برخی از امور از انسان، نیز جزو حقوق فرد و جامعه محسوب می‌شود و شایسته است افراد این امور را ترک کنند تا به اهداف اسلامی برسند.

وجود حق سرگرمی

پس از روشن شدن مراد ما از حق اخلاقی باید مشخص شود که آیا اساساً حقی اخلاقی به عنوان حق سرگرمی برای انسان وجود دارد؟ بر فرض وجود چنین حقی در کجای منظومه حقوق اخلاقی انسان قرار دارد؟ آیا جزء حقوقی اساسی و اولی اوست یا اینکه از جمله حقوق ثانوی و غیرضروری محسوب می‌شود؟

در تاریخچه این بحث شاید یکی از بارزترین موارد توجه به مسئله سرگرمی به عنوان حق انسانی و اخلاقی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است. پس از پایان جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد، این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب کشورهای جهان رسید. در این اعلامیه به معرفی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در بخش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و فردی پرداخته شده است. در بخش‌هایی از این اعلامیه تصریح شده است که همه اعضای جامعه بشری از حق تفریح و استراحت برخوردارند.*

این بخش از اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق سرگرمی تمامی انسان‌ها اشاره دارد؛ به غیر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مورد کودکان به صورت خاص در کنوانسیون حقوق کودک آمده است که کودک برای شرکت کامل در حیات فرهنگی و هنری حق دارد در فعالیت‌های فرهنگی، هنری خلاق و تفریحی شرکت کند.^۱ این مسئله خود نشان از درک اهمیت تفریح و سرگرمی سرگرمی برای آحاد بشر و خصوص کودکان توسط جهانیان دارد. در چنین شرایطی مسلمانان که از رهنمودهای دین اسلام نیز بهره می‌برند باید بیش از پیش به این مسئله توجه کنند؛ چراکه با وجود سفارش‌های عام و خاص دین اسلام در مورد سرگرمی، مسئولیت مسلمانان در ارائه الگویی کارآمد از سرگرمی مطلوب دوچندان است.

اما چرا اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین حقی را برای بشر ثابت می‌داند؟ این اعلامیه در مورد چرایی این مسئله به وضوح سخنی نگفته است. به نظر می‌رسد می‌توان برای علت وجود حق سرگرمی برای انسان دو دلیل اقامه کرد:

دلیل اول، دلیل وجدانی است. هر کس به وجدان خود مراجعه کند سلب چنین حقی را ظلم بر خود می‌یابد؛ البته ممکن است نظریه پردازان در این زمینه نظرات متفاوتی ارائه کنند؛ ممکن است برخی ضرر و سود انسان را ملاک چنین حقی بدانند و بگویند سلب حق سرگرمی موجب ضرر به انسان می‌شود یا اینکه ممکن است برخی حق سرگرمی را ضرورت اجتماعی بیندارند و بگویند این حقی است که اجتماع به انسان داده است؛ اما غالب این‌گونه استدلال‌ها صحیح نیستند؛ چراکه مثلاً در غالب این

کوک، حقوق بشر آمریکا در آینه اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۷۴ و ۷۸.*

عبادی، کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران، ص ۱۲.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

نظریات سود منحصر در سود دنیایی است یا اینکه ضرورت اجتماعی و لو مستلزم ظلم به افراد باشد منشأ حقانیت یک امر دانسته شده است. تفصیل این گونه مباحث و امثال این ایرادات در جای خود باید بحث شود و خارج از محدوده بحث ماست. نگارنده بر اساس دیدگاه حکمای اسلامی که عدل و ظلم را دارای حسن و قبح ذاتی می‌دانند معتقد است به شهادت وجدان، سلب سرگرمی و تفریح از انسان ظلم محسوب می‌شود.

دلیل دوم این است که شرع نیز علاوه بر دلیل عقلی بر این حق انسانی تأکید کرده است که نمونه آن تقسیم اوقات روزانه در روایات به چند بخش است که یکی از این اوقات مربوط به لذت‌های حلال از جمله سرگرمی‌هاست.^{*} در این روایات به فعالیت فراغتی در کنار کار و عبادت توصیه شده است که از این تقسیم‌بندی فهمیده می‌شود فعالیت فراغتی هم عرض این امور و دارای ارزش مستقل در سبک زندگی اسلامی است؛ همچنین در خصوص کودکان امام صادق علیه‌السلام در یک دستور تربیتی می‌فرماید: فرزندان را رها کن که هفت سال بازی کند و هفت سال تأدیب شود و هفت سال او را همراه خویش گیر پس اگر رستگار گردید که هیچ و گرنه خیری در او نیست.[□]

همچنین در روایات، بایستی مربوط به استحباب بازی با فرزند وجود دارد که در این روایات رفتار و بازی بچگانه با فرزند توصیه شده است به عنوان نمونه پیامبر اکرم می‌فرماید: هر کس کودکی دارد باید با وی چون کودکان هم‌بازی شود.[□]

جایگاه حق سرگرمی

حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان چه جایگاهی دارد؟ برای جواب به این سؤال ابتدا به بررسی انواع حقوق اخلاقی و تعابیر مختلف در این زمینه می‌پردازیم تا جایگاه این حق در منظومه حقوق اخلاقی انسان بیشتر مشخص شود و سپس به دیدگاه اسلامی در این زمینه می‌پردازیم.

در خصوص انواع حقوق اخلاقی، می‌توان حقوق اخلاقی را به گونه‌های مختلفی تقسیم نمود مانند حقوق طبیعی در مقابل حقوق غیرطبیعی و جعلی، حقوق اولیه در مقابل حقوق ثانویه، حقوق فطری در مقابل حقوق غیر فطری، حقوق اساسی در مقابل حقوق فرعی و غیر اساسی. برخی از این لغات اصطلاح محسوب می‌شوند معنایی خاص در فلسفه و علوم اسلامی دارند و برخی از این لغات نیز معنایی عرفی دارند که با مراجعه به کتب لغت و فهم عرف معنای آن‌ها دانسته می‌شود. اینک به اختصار به توضیح این لغات می‌پردازیم.

یک از قدیمی‌ترین اصطلاحات در مورد حقوق موجودات، حق طبیعی[□] است و بر اساس آن نظریه حق طبیعی شکل گرفته است. این نظریه پیروان زیاد و متعددی دارد و نقدهایی نیز به این نظریه شده است. در این بخش تنها به اختصار به تعریف این اصطلاح از منظر اسلامی می‌پردازیم.^{**} به صورت خلاصه می‌توان گفت حق طبیعی آن حقی است که ناشی از یک استعداد طبیعی است.[□] در مقابل این حقوق، حقوقی است که منشأ آن‌ها امری غیر از استعداد طبیعی (امری جعلی و قراردادی) باشد؛ مانند حق تقدم در قوانین راهنمایی و رانندگی که منشأ آن ضرورت‌های اجتماعی و اموری قراردادی هستند.

اصطلاح دیگر در مورد حق سرگرمی، حق فطری است. در مورد حق طبیعی نیز ممکن است اصطلاح حق فطری به کار رود؛ اما مفهوم حق فطری با حق طبیعی متفاوت است. حقوق فطری مخصوص انسان هستند و لغت فطرت تنها در مورد انسان به کار برده می‌شود؛^{□ □} بنابراین می‌توان حقوق فطری را به حقوق طبیعی انسان تعریف کرد که در مقابل آن حقوق طبیعی حیوانات و

الْجَاهِلِيَّاتِ فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانَكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَالِشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ النَّقْلَاتِ الَّتِي يَعْزِفُونَكُمْ عَلَيْهَا وَ بَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبُلْبَانِ وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ * وَ يَهْدِي السَّاعَةَ تَقِيرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ ... اجعلوا لأنفسكم حظاً من الدنيا باعطائنها ما تشتهي من الحلال و ما لا يظلم المرءة و ما لا يسرف فيه؛ و استعينوا بذلك على أمور الدين، فإنه روى: «ليس منا من ترك دنياه لدينه، أو ترك دينه لديناه» ابن شعبة حراني، تحف العقول، ص ٤٠٩-٤١٠.

دع ابئك يلعب سنج سين و يؤدب سنج سين و الريمه فسك سنج سين فإن أفلح و إلا فله مغل لا خير فيه. ابن بابويه، من لايحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٩٢.

من كان عنده صنبي فليصناب له. ابن بابويه، من لايحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٨٣-٤٨٤.

§ Natural Law

برای تفصیل مطالب مراجعه شود به پارساپور، نظریه حقوق طبیعی، ص ١٥١-١٤١.

مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ١٩، ص ١٥٨.

مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ٣، ص ٤٦٦.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

محیط زیست و یا دیگر حقوق جعلی و قراردادی انسان مانند حق تقدم در قوانین راهنمایی و رانندگی و غیره قرار دارند؛ از این منظر حق فطری اخص از حق طبیعی است.

واژه دیگری که گاه در مورد انواع حقوق به کار گرفته می‌شود، واژه حقوق اساسی است که دو معنا برای آن ذکر می‌شود اول معنای اصطلاحی و دوم معنای لغوی.

معنای اصطلاحی در علم حقوق کاربرد دارد و شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی محسوب می‌شود و در تعریف آن گفته شده: «[حقوق اساسی] به ضوابط و قواعدی گفته می‌شود که ناظر بر شخصیت و زندگی سیاسی و اجتماعی انسان بوده و مسئولیت‌های قوای حاکم و وظایف دولت در تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی افراد ملت را مشخص می‌سازد.»*

به نظر می‌رسد بنابراین تعریف، بخشی از حق انسان در مورد سرگرمی و نه تمام آن حق اساسی محسوب می‌شود؛ چراکه در این تعریف بر روابط قوای حاکم و نهادهای سیاسی با یکدیگر که مبتنی بر اراده جمعی است تأکید شده است؛ در حالی که حق سرگرمی امری است که بر اساس روابط افراد مبتنی بر اراده شخصی نیز صورت می‌پذیرد. پس نمی‌توان طبق این تعریف حق سرگرمی را فقط حق اساسی خواند و این تعبیر از آنچه مد نظر ماست خاص‌تر است.

اما در خصوص معنای لغوی در فرهنگ عمید، اساسی به بنیادی و اصلی معنا شده است؛^۱ بنابراین تعریف، حق اساسی شامل حقوقی می‌شود که بنیادی و اصلی هستند و مقابل آن حقوقی هستند که غیر بنیادی و فرعی محسوب می‌شوند؛ به نظر می‌رسد اساسی بودن و اصلی و بنیادی بودن امری نسبی هستند و چه بسا حقی به نسبت حق دیگر اساسی و به نسبت حق دیگر فرعی و غیر اساسی باشد؛ مثلاً حق تحصیل نسبت به حق رانندگی اساسی است؛ چراکه تحصیل مقدمه بسیاری از امور از جمله رانندگی است؛ اما همین حق نسبت به حق حیات غیر اساسی و فرع بر آن است؛ چراکه بدون حیات و زندگی نمی‌توان تحصیل کرد؛ بنابراین حق سرگرمی نیز گاه نسبت به حقوق دیگر اساسی و گاه غیر اساسی محسوب می‌شود و ملاک در اساسی بودن یا نبودن حق سرگرمی، اهمیت آن سرگرمی در مقابل حقوق دیگر است.

واژه دیگر حق اولیه است که نگارنده با جستجو در معانی اصطلاحی معنای اصطلاحی خاصی برای آن نیافت؛ بنابراین این واژه نیز به معنای لغوی بر حق سرگرمی حمل می‌شود. در فرهنگ معین واژه «اولیه» به نخستین معنا شده است؛^۲ بنابراین حق اولیه یا نخستین، حقی است که اولین و نخستین حقوق انسان باشد و در مقابل آن حق ثانویه قرار دارد که ضرورت آن به تبع دیگر امور است؛ مانند حق حیات و یا تکریم انسان‌ها که از حقوق اولیه محسوب می‌شوند، در مقابل حق سؤال در کلاس درس و امثال آن که حقی ثانوی و به تبع امور دیگر هستند. به نظر می‌رسد که تعریف این واژه نیز چندان ساده و روشن نیست و ممکن است مفهوم حق اولیه نیز امری نسبی باشد و در مقایسه با دیگر حقوق معنا شود.

با توجه به مطالب فوق نگارنده اصطلاح حق فطری را برای سرگرمی مناسب‌تر می‌داند چراکه:

- حقوق طبیعی اصطلاحی عام است و شامل حقوق حیوانات و حتی محیط زیست نیز می‌شود؛ اما حق فطری، اصطلاحی خاص انسان است و مقصود ما نیز سرگرمی‌های خاص انسان است.
- گاه حقوق طبیعی بدون در نظر گرفتن آنچه در شرع اسلام وجود دارد منشأ حقانیت پنداشته شده است؛ در حالی که در اصطلاح حق فطری به آموزه‌های اسلامی توجه می‌شود. به گفته محققین واژه فطرت در مورد انسان برای اولین بار در قرآن به کار گرفته شده است.^۳
- همچنان که گذشت اصطلاح حقوق اساسی نیز اصطلاحی خاص در علم حقوق است و معنای حق سرگرمی عام‌تر از این اصطلاح است.

* محمودی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، ص ۲۳.

۱. عمید، فرهنگ عمید، ص ۷۱-۷۲.

۲. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳. مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۴۵۱.

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

واژه‌های حقوق اساسی، حقوق بنیادین، حقوق اصلی، حقوق اولیه، حقوق نخستین، حقوق ذاتی، حقوق ضروری و امثال آن دارای معانی لغوی متفاوت و متنوعی هستند و هر کس برای آن‌ها ممکن است معنایی را ذکر کند؛ اما حق فطری یک اصطلاح دینی است و معنای روشن‌تری برای آن در منابع دینی ذکر شده است.

گذشته از این که چه تعبیری در مورد حق سرگرمی بهتر است به کار گرفته شود، در خصوص جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان نیز، تعریف حقوق بشر در سازمان ملل به عنوان یک نهاد بین‌المللی می‌تواند حاکی از سیره عقلانی مردم جهان در خصوص حقوق اخلاقی انسان باشد. این سازمان در تعریف خود از حقوق بشر می‌گوید:

حقوق بشر به طور کلی به عنوان حقوقی قابل تعریف بوده که از ذات ما جدا ناشدنی است و بدون آن نمی‌توانیم به عنوان انسان زندگی کنیم، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد تا صفات انسانی‌مان، عقلمان، استعدادهايمان و وجدانمان را به طور کامل پرورش داده و به کار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای انسان را برآورده سازیم، آن‌ها مبتنی بر خواسته روزافزون بشر برای یک زندگی است که در آن شأن ذاتی و ارزش انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد.*

از این تعریف چند نکته می‌توان فهمید:

اول اینکه حق ذاتی حقی است که انسانیت انسان به آن وابسته است و بدون آن انسان نمی‌تواند زندگی کند و به او امکان پرورش استعدادها و برطرف کردن نیازهایش را می‌دهد.

دوم اینکه حق تفریح و سرگرمی از حقوق ذاتی و بنیادین انسان است؛ چراکه این حق در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» نیز از حقوق بشر برشمرده شده است؛^۲ بنابراین از منظر سازمان ملل و بلکه عموم عقلای جهان حق سرگرمی از حقوق اساسی و ذاتی انسان است.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد اسلام نیز سیره عقلانی مبنی بر وجود حق سرگرمی را تأیید کرده و شرایطی را برای بهره‌مندی از آن مطرح می‌کند؛ این تأیید از آیات و روایات متعددی که در مورد ترغیب به شادی، ورزش و گذران صحیح اوقات فراغت وارد شده فهمیده می‌شود. به عنوان نمونه روایتی نماز شب را از جمله سرگرمی‌های مؤمن برمی‌شمرد. با توجه به اینکه عبادت کردن از منظر اسلام حقی فطری است از این‌گونه روایات می‌توان دریافت که سرگرمی از منظر دینی حقی فطری است. در پایان به نظر می‌رسد در هنگام تراحم حق سرگرمی با دیگر حقوق انسان باید شرایط خارجی و آنچه در هنگام عمل افراد رخ می‌دهد را نیز نظر گرفت. اینکه این حق خود از حقوق فطری انسان است خود عاملی مهم برای تصمیم‌گیری در هنگام تراحم آن با دیگر حقوق خواهد بود؛ اما نمی‌توان به صورت کلی و بدون در نظر رفتن عناصر زمینه‌ای و بافت محیطی که فعل در آن واقع می‌شود گفت حق سرگرمی چون حقی فطری است بر انواع دیگر حقوق مقدم است؛ توضیح اینکه گاه سرگرمی بر حقوق فطری دیگر انسان مقدم می‌شود و گاه بر حقوق اعتباری که به دست انسان جعل شده‌اند نیز مقدم نمی‌شود؛ مثلاً گاه سرگرمی بر انجام عبادت که حقی فطری است ترجیح دارد تا انسان به وسیله آن خود را مهیای عبادت یا دیگر امور زندگی کند؛ اما گاه رعایت حق تقدم در حین رانندگی که حقی اعتباری است، بر رد کردن چراغ قرمز و امثال آن به قصد تفریح و سرگرمی ترجیح دارد؛ بنابراین باید برای تشخیص جایگاه حق سرگرمی در مقایسه با دیگر حقوق انسان شرایط وقوع فعل نیز در نظر گرفته شود.

مسئولیت‌های قانونی در ورزش

داوری، مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی، ص ۸۶.*

کوک، حقوق بشر آمریکا در آینه اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۷۸.†

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

فعالیت های ورزش و محیط های مربوط به آن هریک به دلایل خاص همواره با وقایع و حوادث گوناگون روبرو بوده اند این حوادث از کم اهمیت ترین جرائم از جمله توهین و ضرب و جرح شروع و تا حادث ترین نوع آنها مانند تجاوز به عنف ، نقص و عضو و قتل ادامه داشته است . عدم اطلاع از جامعه ورزشی از پیامدهای قانونی تخلفات و جرائم واقع در محیط های ورزشی به دلیل فقدان آموزش و نیز موجود نبودن مجموعه های مدونی که متضمن نوع جرائم ورزشی و مجازات های آنها باشد، بر گسترش کمی و کیفی خلاف کاری ها همواره افزوده است . ورزشکاران عموماً بر این تصورند که اعمال خلاف آنها در فعالیت های ورزشی نهایتاً تنبیهات انضباطی را در پی خواهد داشت و مرجع تصمیم گیری را کمیسیون های قضایی هیأت ها، فدراسیون ها و یا مدیران ، می دانند و گستره آگاهی های مربیان ، داوران ، سرپرستان و مدیران ورزشی نیز چه در باب مسؤولیت های خود و چه در مورد ورزشکاران معمولاً بیش از این نیست . این نقیصه را باید با ارتقاء سطح آگاهی جامعه ورزش از مسؤولیت هایی که قانون در رابطه با تخلفات آنان در ورزش برای آنها مشخص نموده است ، بر طرف ساخت و این مهم را با ارائه درس حقوق ورزش یا مسؤولیت های قانونی در ورزش باید به انجام رسانید . تا با تکیه بر این آگاهی ها از بروز حوادث جبران ناپذیر بر جسم و روح ورزشکار و جامعه ورزش نیز جلوگیری کرد . حقوق ورزش به مجموعه مطالبی اطلاق می شود که وظایف ، اختیارات و مسؤولیت های قانونی همه کسانی را که به نحوی با فعالیت های ورزشی درگیر هستند روشن می سازد . به عبارت دیگر مطالعه حقوق ورزش ، به جامعه ورزش می آموزد که چگونه باید در فعالیت های ورزشی مشارکت نمود تا حوادث ناشی از آن ، مسؤولیت های قانونی را که نهایتاً به مجازات ، محرومیت از حقوق اجتماعی و جبران ضرر و زیان منتهی می شود متوجه آنها نسازد

موقعیت و مقام ورزش در قانون اساسی

« قانون اساسی به مجموعه قواعدی اطلاق می شود که مبین نهادهای فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است » (۱) و به بیان دیگر مجموعه قواعدی که شکل حکومت ، اختیارات قوای مملکت ، حقوق افراد جامعه و آزادی آنها و به طور کلی خطوط کلی یک کشور را تعیین و ترسیم می نماید قانون اساسی نام دارد .

قانون اساسی بالاترین مقام و منزلت را در بین کلیه قواعد و مقررات داراست و سایر قوانین و مقررات عادی باید از آن تبعیت نمایند و مغایرتی نداشته باشند و گرنه وجاهت قانونی نخواهد داشت . بنابراین دقت در تعریف قانون اساسی نشان می دهد که این قانون صرفاً اصول کلی مملکت را مشخص می سازد و امور عادی و کم اهمیت تر را باید در قوانین عادی و آئین نامه ها و بخشنامه ها جستجو نمود و به عبارت دیگر هر امر مهم مملکتی ریشه در قانون اساسی دارد و به همین دلیل است که تربیت بدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است و این توجه و عنایت تدوین کنندگان قانون اساسی به تربیت بدنی مبین بینش گسترده و واقع بینانه آنها بوده است . به ویژه که آن نه فقط تصریح به تربیت بدنی در قانون اساسی آشکار است بلکه این تصریح در اولین فصل و در صدر اصول کلی مشهود می باشد و در عرض آموزش و پرورش و مقدم بر آموزش عالی است .

نتیجه گیری

در این پژوهش به این نتایج رسیدیم که:

- سرگرمی حالتی نفسانی و نوعی گذران اوقات فراغت است که گاه به خودی خود و فارغ از دیگر امور زندگی ارزش دارد و به صورت اختیاری (فعالانه یا منفعلانه) و به قصد اموری چون ایجاد تفریح، تنوع، استراحت و شکوفایی فردی و اجتماعی صورت

تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی

می پذیرد.

- در دیدگاه اسلامی به طور کلی حقیقت را می توان به دو مقوله هستی شناختی و ارزش شناختی تقسیم کرد.
- آنچه انسان از منظر عقل و شرع، شایسته بهره مندی از آن است (بعد ارزش شناختی حقیقت) حق اخلاقی وی محسوب می شود.
- حق سرگرمی برای انسان از منظر اخلاق اسلامی وجود دارد.
- حق سرگرمی از جمله حقوق فطری انسان محسوب می شود.
- برای قضاوت اخلاقی در هنگام تزامم حق سرگرمی با دیگر حقوق انسان باید شرایط خارجی و عناصر زمینه ای را نیز در نظر گرفت.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
۵. پارساپور، محمدباقر، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، «نظریه حقوق طبیعی»، پژوهش های فلسفی کلامی، ص ۱۴۱-۱۵۱.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷.
۸. داوری، محسن، بهار و تابستان ۱۳۸۹، «مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی»، حقوق اسلامی، ص ۷۱-۹۲.
۹. ساکت، محمدحسین، حقوق شناسی (دیباچه ای بر دانش حقوق)، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۷.
۱۰. شهیدی، هاشم، تابستان ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر ویژگی های خانوادگی بر چگونگی گذران اوقات فراغت فرزندان در کوی های سازمانی»، مدیریت نظامی، ص ۳۵-۱۰۲.
۱۱. عبادی، شیرین، آبان ۱۳۷۸، «کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران»، آزما، ص ۱۲-۱۳.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، اشجع با همکاری میکائیل، ۱۳۸۹.
۱۳. غفرانی، محمد؛ آیت الله زاده شیرازی، مرتضی؛ فرهنگ اصطلاحات روز، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۱۴. کوک، سارا، تیر ۱۳۸۷، «حقوق بشر آمریکا در آینه اعلامیه جهانی حقوق بشر»، سیاحت غرب، ص ۷۴-۷۸.
۱۵. محمودی، عبدالحسین، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، بابل، موج اندیشه، ۱۳۸۹.
۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بدون تاریخ.
۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۱۷. میرخندان، سید حمید، مطالعات دینی فیلم، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۹۲.